

# سیاست خارجی ایران

در زمان پادشاهان صفوی

روابط ایران و پرتغال

بقلم آقای نصرالله ظنی

۳

\*\*\*

مناسبات دولت پرتغال با ایران در دوره پادشاهی شاه طهماسب اول (۹۳۰ تا ۹۸۴ هـ) ظاهراً دوستانه بوده است و از جزئیات روابط دولتی آگاهی کامل نداریم. همینقدر معلومست که در سببستان<sup>۱</sup> پادشاه پرتغال (۱۵۵۷ تا ۱۵۷۸ م.) یکبار در سال ۹۵۸ هـ. (۱۵۵۱ م.) و بار دیگر در سال ۹۸۲ (۱۵۷۴ م.) سفرائی با تحف و هدایای بسیار از طریق هرمز بدر بار شاه طهماسب اول فرستاده و سفیر دوم او که از بزرگان پرتغال بوده باشکوه و جلال فراوان بایران آمده است، چنانکه همراهان او گذشته از ملازمان و خدمتگاران قریب پنجاه تن بوده اند ولی شاه طهماسب بواسطه آنکه مأورین پرتغال در جزیره هرمز با مسلمانان بد رفتاری میکردند و بایشان اجازه ساختن مسجد نمیدادند سفیر مذکور را بسر دی پذیرفت و تا سال وفات خویش (۹۸۴ هـ) باو و همراهانش اجازه بازگشت نداد و فرستادگان پرتغال پس از مرگ وی در زمان جلوس پسرش شاه محمد خدا بنده اجازه بازگشت یافتند.

از سال ۹۸۸ هـ. (۱۵۸۰ م.) یعنی سال چهارم پادشاهی شاه محمد خدا بنده مملکت پرتغال بتصرف دولت اسپانی در آمد و تا سال ۱۰۵۰ (۱۶۴۰ م.) سیزدهمین سال سلطنت شاه صفی در تصرف آن دولت بود.

فیلیپ دوم پادشاه اسپانی که در مذهب کاتولیک سخت متعصب بود پس از آنکه سرزمین پرتغال را بتصرف آورد بر آن شد که برای انجام سه امر سفیری بدر بار ایران فرستد. یکی آنکه شاه ایران بیرون مذهب کاتولیک را در سراسر کشور خویش آزادی مذهبی عطا کند،

دیگر آنکه از دشمنی و جنگ با ترکان عثمانی دست نکشد و سوم آنکه بر عایای اسپانیول در امور تجارتی امتیازاتی دهد، پس به «دم ماسکارنها»<sup>۱</sup> نایب الساطنه هندوستان فرمانی فرستاد و دستور داد که مرد لایقی را بسمت سفارت روانه ایران کند. ولی چون وضع مالی نایب-السلطنه هند با فرستادن سفیری عالیمقام و تحمل مخارج گزاف مساعد نبود شورای نیابت سلطنت کشیشی «پرسیمون مورالس»<sup>۲</sup> نام را که فارسی میدانست و بدین زبان خوب سخن می گفت بایران فرستاد. شاه محمد این کشیش را بگرمی پذیرفت و او را مأمور کرد که پسر بزرگش حمزه میرزا درس ریاضی و نجوم دهد و بنا بر درخواست او از مذاکرات دوستانه و مصالحه با دربار عثمانی چشم پوشید و برای اینکه رشته دوستی ایران و اسپانیول را محکمتر کند هنگام بازگشت کشیش سفیری از ایران همراه وی کرد، کشیش اسپانیولی و سفیر ایران با کشتی موسوم به «سفر بیخیر»<sup>۳</sup> عازم اروپا شدند ولی این کشتی برخلاف آنچه از نام آن انتظار میرفت در ساحل شرقی افریقا گرفتار طوفان دریائی شد و تمام مسافرین خود را بدنای دیگر برد.

### روابط ایران و اسپانیول در زمان شاه عباس بزرگ

در زمان سلطنت شاه عباس بزرگ دایره روابط ایران با ممالک اروپائی وسعت یافت و سفرهای متعدد برای عقد اتحاد سیاسی بر ضد ترکان عثمانی و بستن قراردادهای تجارتی از جانب پادشاهان اروپا بدربار شاه عباس آمدند.

در سال ۱۰۰۷ (۱۵۹۸ م.) دو کشیش پرتغالی یکی از فرقه «فرانسیسکن»<sup>۴</sup> موسوم به «آلفونسو کاردرو»<sup>۵</sup> و دیگری از فرقه «دمی نیکن»<sup>۶</sup> بنام «نیکولادی ملو»<sup>۷</sup>

۱ - Père Symon Moralès . ۲ - Dom Mascarenhas de Santa Cruz

۳ - Bon Voyage

۴ - فرقه فرانسیسکن (Franciscains) یا «برادران کهنتر» (Les frères mineurs) یکی

از فرق مذهبی کاتولیک است که در سال ۱۲۰۸ مسیحی (۵۶۰۵ هـ) بدستاری «سن فرانسواداسیز» (Saint François d'Assise) از روحانیون معروف عیسوی برای تبلیغ دین مسیح تشکیل یافت.

۵ - Alfoonso Cordero

۶ - فرقه دمی نیکن (Dominicains) یا «برادران مبلغ» (Les frères prêcheurs) نیز

از فرق مذهبی کاتولیک است که در سال ۱۲۱۵ میلادی (۵۶۱۲ هـ) توسط «سن دمنیک» (Saint Dominique) از روحانیون مسیحی تأسیس گردید.

۷ - Nicolao di Melo

از راه هرمز با ایران آمدند و در اصفهان بخدمت شاه عباس رسیدند. نیکولادی ملو خود را اسقف هرمز و نماینده مخصوص پاپ رم و پادشاه اسپانی معرفی کرد. شاه عباس آندو را با مهربانی بسیار پذیرفت و صلحی از طلا ماکل بالماس و فیروزه و یاقوت به «نیکولادی ملو» یادگار داد<sup>۱</sup> و از وی در باب مقام مذهبی پاپ و دین عیسی سؤالاتی کرد، پس از دو هفته نیز در نیمه ذی حجه سال ۱۰۰۷ چون «سراآتونی شرلی» انگلیسی را، که شرح حال وی در ستور بعد خواهد آمد، با حسینعلی بیگ بیات از سرداران خود برای عقد معاهدات سیاسی بر ضد ترکان عثمانی بممالک اروپا و از آنجمله با سبانی مأمور کرد با آندو کشیش



### سراآتونی شرلی

- ۱ - برخی از مورخین می نویسند که این صایب از خزانه «اونک خان» آخرین خان قبیله عیسوی مذهب «کرائیت» که عیسویان او را «ملک یوحنا» (Prêtre Jean) میخواندند و در اواخر قرن ششم هجری در جنگ با چنگیز خان بقتل رسید، بخزانه سلاطین ایران منتقل شده بود.
- ۲ - شرح حال سراآتونی شرلی (Sir Anthony Shirley) و برادرش «ربرت شرلی» (Robert Shirley) در ضمن روابط شاه عباس با دولت انگلیس خواهد آمد.

نیز اجازه داد که همراه سفرای او بمملکت خود باز گردند.<sup>۱</sup>

سفارت سر آنتونی شاه عباس پس از آنکه در سال ۱۰۰۶ صفحه خراسان را از وجود شرلی بدر بار اسپانی از بکان پاك كرد و از آنجانب آسوده خاطر گردید باصفهان باز گشت و بر آن شد که با دولت عثمانی از در جنگ در آید و ولایاتی را که در آغاز پادشاهی خویش با آن دولت تسلیم کرده بود باز گیرد. پس علاوه بر اینکه بدستیاری برادران شرلی و همراهان ایشان بترتیب سپاه منظم و تهیه اسایحه تازه اروپائی پرداخت در صد برآمد که بشوق سر آنتونی شرلی با سلاطین عیسوی مذنب اروپا نیز بر ضد دولت عثمانی متحد شود و در ماه ذی حجه سال ۱۰۰۷، چنانکه در فوق نیز اشاره کردیم، یکی از سرداران معروف قزلباش موسوم به حسینعلی بیگ بیات را مأمور نمود که از جانب او بعنوان سفارت راه اروپا پیش گیرد و از سر آنتونی شرلی نیز خواهش کرد که راهنمای سفیر وی گردد و همراه او بارو بارود. شاه عباس از فرستادن این سفیر دو مقصود داشت، یکی آنکه با پادشاهان اروپا بر ضد دولت عثمانی متحد شود و دیگر آنکه با ایشان برای فروش

۰ - « ژورژ مانوارینگ » نام از همراهان برادران شرلی در باره این دو کشیش چنین نوشته است : « ... کشیشی از فرقه فرانسیسکن باصفهان آمد و بسر آنتونی گفت که چون عیسوی هشتم از جانب خود و رفیق که از فرقه دومی نیکن و اسقف هرمز است از شما خواهش میکنم از شاه عباس اجازه بگیرید که ما در مملکت او بالباس روحانی خود سفر کنیم و کسی متعرض ما نشود ... سر آنتونی هم درخواست او را پذیرفت و حکمی بدیخواه کشیش از شاه گرفت و روز دیگر هر دو کشیش را بحضور شاه برد. شاه عباس برای خاطر سر آنتونی شرلی ایشان را بگرمی پذیرفت ... و از «یکلادیملو» پرسید که شما از کجای آید و کدام ممالک را سیاحت کرده اید، کشیش جواب داد که مرا پاپ بعتران نیابت خویش بممالک شرقی فرستاده است. شاه گفت پاپ چه معنی دارد؟ - گرچه معنی آنرا خوب میدانست و مخصوصا خود را بی اطلاع نشان میداد. - کشیش جواب داد که پاپ درین دنیا جانشین حضرت عیسی است و معاصی مردم را میبخشد. شاه گفت ازین قرار باید بسیار پیر باشد که از زمان عیسی تا کون زنده است و جانشین اوست. کشیش جواب داد که چنین نیست و از زمان عیسی تا کون پاپهای متعدد جانشین یکدیگر شده اند. شاه گفت پس ازینقرار پاپها نیز مثل ما از نوع بشر هستند و در ایتالیا یا در رم تولد یافته اند. کشیش جواب داد بلی چنین است. شاه پرسید که پاپها هیچگاه با خداوند یا با عیسی سخن گفته اند؟ جواب داد نه. گفت پس چگونه معاصی مردم را میبخشد. من اعتقاد ندارم که کسی جز خداوند بتواند گناه مردم را عفو کند. اما درباره حضرت عیسی اقراری کنم که او را بی شمبری بزرگ میدانم و البته او هم میتواند گناهان مردم را ببخشد و در کتب خوانده ام که ازو درین عالم معجزات بزرگ ظاهر شد و نیز خوانده ام که پدر او معلوم نیست و مادر او را نفس یکی از ملائکه حامله کرده است. از داستان بصلیب کشیدن او نیز آگاهم و بهمین سبب از قوم یهود متنفرم ... »

ابریشم ایران در اروپا معاهده تجارتي منعقد سازد. بدیهی است که شاه عباس برای بازگرفتن ولایات ازدست رفته ایران بمنظور نخستین بیشتر دلبستگی داشت و طرح موضوع دوم درحقیقت برای فریفتن سلاطین اروپا وراضی کردن ایشان بموافقیت با موضوع نخستین بود، چه ابریشم ایران دربنادر خلیج فارس بمراتب ارزاتر از بنادر عثمانی در بحر الروم بفروش میرسید و چون این متاع در اروپا خریدار فراوان داشت ممالک عیسوی مایل بودند که تجارت آنرا بخود اختصاص دهند.

در زمان شاه طهماسب اول «ایوان مخوف<sup>۱</sup>» تراز روسیه و «الیزابت»<sup>۲</sup> ملکه انگلستان سفیری «آنتونی جانکینسن»<sup>۳</sup> نام بقصد افتتاح باب تجارت ایران و اروپا از راه روسیه بایران فرستاده بودند. پس از آن پادشاه در زمان شاه محمد خدا بنده و سالهای اول سلطنت شاه عباس نیز سفرائی باین قصد از روسیه بایران آمده بودند ولی تا این زمان مقصود ایشان کاملاً بانجام نرسیده بود و مال التجاره ایران بیشتر از خاک عثمانی، یعنی یا از راه تبریز به طرابوزان و یا از بغداد بحاب، برای اروپا فرستاده میشد. از زمانی که برتغالیها بر جزیره هرمز دست یافتند راه دریائی خلیج فارس نیز ظاهراً باز شد ولی عمال دولت برتغال میخواستند که خرید امتعه ایران و تجارت آن از راه خلیج بایشان منحصر باشد و بهمین سبب بهیچیک از تجار ایران اجازه نمی دادند که ابریشم یا سایر محصولات ایران را مستقیماً و بی واسطه ایشان از راه خلیج بهندوستان یا اروپا فرستند، چنانکه شاه هم نمیتوانست محصول ابریشم گیلان را که متعلق بشخص وی بود از راه خلیج صادر کند. بنا برین یگانه راه صدور مال التجاره ایران بممالک اروپا طرق تجارتي «مملکت روم» یعنی خاک عثمانی بود و تجار ایران ناگزیر بودند که مبالغ گزاف بعنوان حقوق گمرکی و حق العبور بعمال دولت عثمانی پردازند. علاوه برین طرق تجارتي عثمانی گذشته از آنکه هنگام دوستی دولتین بواسطه وجود راهزنان برخطر بود هنگام جنگ بکلی بسته میشد و راهی برای تجارت ایران و اروپا باقی نمی ماند.

۱ - Ivan IV, le Terrible (۹۳۶ تا ۹۹۲ - ۰۵ - ۱۵۲۹ تا ۱۵۸۴ - ۰۲)

۲ - Elisabeth (۹۴۰ تا ۱۰۱۲ - ۰۵ - ۱۵۳۳ تا ۱۶۰۳ - ۰۴)

۳ - Anthony Jenkinson. شرح سفارت او در ضمن روابط سیاسی صفویه با انگلستان

بهمین دلائل شاه عباس فرستادن سفیری را بدربار سلاطین اروپا لازم شمرد و چنانکه اشاره کردیم این سفارت را به حسینعلی بیگ بیات و سرآنتونی شرلی محول کرد. سرآنتونی شرلی با آنکه فی الحقیقه سمت راهنمائی حسینعلی بیگ را داشت از هرجهت با سفیر قزلباش برابر بود. شاه عباس با اعتبارنامه‌های مخصوص داد و او را نزد «پادشاهان فرنگ» یعنی پاپ و امپراطور آلمان و ملکه انگلستان و پادشاهان اسکاتلند و اسپانی و فرانسه و لهستان و حکومت جمهوری و نیز فرستاده مخصوص خویش معرفی کرد. در یکی از اعتبار نامه های او نوشته شده بود که «ای پادشاهانی که آئین عیسی را پیروی میکنید بدانید که واسطه دوستی ما و شما اینمرد ( یعنی شرلی ) بوده است . البته پیش ازین هم دوستی شما را آرزو داشتیم ولی راه دوستی را او نشان داد و پرده بیگانگی را او از میان برداشت . این مرد برضای خویش نزد ما آمد و ما با صوابدید و رضای او یکی از رجال دربار خود را همراه وی نزد شما میفرستیم . در ایران او را چون برادر عزیز میداشتیم . با او دریک ظرف غذا می خوردیم و از یک جام شراب می نوشیدیم ، پس چون اینمرد نزد شما رسد باید او را نماینده شخص ما بدانید و آنچه میگوید و می خواهد انجام دهید . . . هنگامیکه او از دریا بگذرد و قدم بجای پادشاه بزرگ مسکوی که ما با او چون برادر دوست و متحد هستیم ، بگذارد باید حکام آن ممالک جماعگی با وی حرکت کنند و او را بمسکورسانند . . . »<sup>۱</sup>

بنا بر این میتوان گفت که سفیر واقعی شاه سرآنتونی شرلی بود ، چنانکه خود او نیز چنین تصور کرد .

آنتونی شرلی در روز پنجشنبه بانزدهم ذی حجه ۱۰۰۷ ( ۹ ژوئیه ۱۵۹۹ ) از اصفهان با همراهان خود از راه روسیه بعزم اروپا حرکت کرد . گذشته از حسینعلی بیگ بیات چهار قورچی<sup>۲</sup> ( از سواران اصیل ایرانی ) و چهارده مستخدم ایرانی و یک

۱- شارل شفر Ch. Scheffer در مقدمه ای که بر سفرنامه ژرافائل دومانس «Raphael du Mans»

بنام «وضع ایران - Estat de la Perse» نگاشته می نویسد که شاه عباس میخواست سرآنتونی شرلی را فقط بانگلستان بخدمت ملکه الیزابت بفرستند ولی شرلی اظهار کرد که اگر بانمام سلاطین عیسوی از در اتحاد درآید مفیدتر است .

۲ - از این چهار نفر یکی علیقلی بیگ برادرزاده حسینعلی بیگ بیات سفیر شاه بود و دیگری

ملا و پنج مترجم و پانزده نفر از همراهان انگلیسی<sup>۱</sup> وی هم با او حرکت کردند.<sup>۲</sup> سی و دو شتر نیز از دنبال این هیئت هدایائی را که شاه برای سلاطین فرنگ، همین کرده بود حمل میکردند. شاه عباس آتونی شرلی و همراهان او را تادوات آباد مشایعت نمود و در آنجا مهر طلای خود را باو داد و گفت:

« برادر، هر چه را که تو مهر کنی گرچه بقدر سلطنت من ارزش داشته باشد قبول دارم. » سپس روی او را بوسید و دست برادرش ربرت شرلی را در دست گرفته و عده داد که در غیاب سر آتونی با او مانند برادر رفتار کند. پس از آن یکدیگر را وداع گفتند.

سر آتونی و حسینعلی بیگ و همراهان ایشان پس از عبور از کاشان و قم و ساوه و قزوین متجاوز از یکماه بعد بگیلان و ساحل دریای خزر رسیدند و در آنجا بکشتی نشسته عازم روسیه شدند.

عبور از بحر خزر دو ماه طول کشید و کشتی دچار طوفانهای سخت شد. بالاخره هیئت پس از تحمل مشقات بسیار بهشترخان رسید. شاه عباس یکماه پیش از عزیمت سفرای خود شخصی را بهشترخان فرستاده بود که قبلاً تزار روسیه را از حرکت فرستادگان او آگاه سازد و وسائل آسایش ایشان را فراهم کند و این شخص یکروز پیش از شرلی و همراهان او بهشترخان رسیده بود.

از هشترخان تامسکو هیئت مامورین ایران میهمان بوریس گودونف<sup>۳</sup> تزار روسیه بودند و پس از دو ماه و نیم مسافرت پایتخت روسیه (دولت مسکوی) رسیدند.

اروج بیگ نام که منشی اول سفارت بوده و این شخص بعدها چنانکه شرح آن خواهد آمد در اسپانبول بدین عیسی گروید و به «دن ژوان ایران» (Don Juan) معروف شد.

۱ - همراهان انگلیسی شرلی را زمانیکه بایران آمد از ۲ تا ۳۱ نفر نگاشته اند.

۲ - علاوه برین جمله دو کشیش سابق الذکر نیز با این هیئت همراه بودند و شاه عباس

بهریک از آن دو هم مراسله ای برای پاپ و پادشاه اسپانی داده بود.

۳ - Boris Coudonoff